

## دروغ؛ کلید همه پلیدی‌ها

✽ محمدمهدی رشادتی

امام حسن عسکری(ع) فرمود: جعلت الخبائث فی بیت و جعل مفتاحه الکتب. همه پلیدی‌ها در یک خانه نهاده شد و کلید آن دروغ است. (میزان الحکمه ج ۲ ص ۸۶۹).

فطرت انسان با راستی و حقیقت سرشته شده است. دروغ از جمله صفاتی است که کودک به مرور از دیگران می‌آموزد. امروز چه بسا دروغ نشانه زرنگی و زیرکی باشد.

با وجود اینکه ویژگی دروغ از نظر همه با اکثریت مردم دنیا صفت زشتی محسوب می‌شود اما در عین حال بیش از سایر خصلت‌ها رواج دارد. علت آن شاید غفلت و بی‌خبری از آثار مخرب دنیایی و عواقب هولناک آخرتی آن باشد.

**عواقب دنیایی دروغ در جامعه**

مهم‌ترین نتیجه آن در جامعه و در روابط اجتماعی «سلب اعتماد از یکدیگر» است. زیرا جامعه انسانی براساس اعتماد و اطمینان متقابل، تعاملات گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی دارند. اگر این پایه اعتماد متزلزل شود، در آن صورت روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها در تمام شئون آن رو به تیرگی و نهایت ویرانی خواهد گذشت، چ‌ک‌ها برگشت می‌خورد، قسم‌ها و شهادت‌های دروغ شایع می‌شود، کلاهبرداری و سوءاستفاده‌ها، خف‌و‌عده‌ها امری عادی می‌گردد. بنا به فرمایش ظریف امام، کلید همه زشتی‌های عالم دروغ است. از دیگر نتایج دنیایی دروغ، ایجاد دشمنی‌ها در میان مردم، رواج نفاق و دورویی و ریاکاری در بین آنهاست و نیز موجب کاهش روزی انسان‌ها می‌شود.

**عواقب اخروی دروغ**

اما دربراه آثار و عواقب آخرتی صفت دروغ‌گویی، در منابع اسلامی مطالب فراوانی گفته شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: دروغگو مورد لعن و نفرین خدا و همه ملائکه و عرشیان قرار می‌گیرد. از گناهان کبیره محسوب می‌شود. مورد هدایت خدا واقع نمی‌شود. هفتاد هزار فرشته بر دروغ‌گو لعن می‌کنند و از دل او بوی تعفن و گندی بلند می‌شود که تا عرش می‌رسد. خداوند به خاطر دروغ مؤمن، گناه هفتاد زنا بر او می‌نویسد که آن هم بدترین آنها زنایی است که با مادر خود انجام داده باشد. ایمان، با دروغ ناسازگار دارد. دروغ‌گو هیچ‌گاه لذت ایمان را نخواهد چشید. دروغ از شراب نیز بدتر و زشت‌تر توصیف شده است. موجبات عذاب در قیامت است. در حدیث داریم که مؤمن ممکن است ترسو یا بیخیل و یا زتاکار باشد اما پیرامون دروغ نمی‌گردد. وای بر شخصی که قصد دارد با دروغ، دیگران را بخنداند، وای بر او – وای بر او – وای بر او، بر رسول خدا(ص) فرمود: دیدم مردی پیش آمد و گفت: برخیز. برخاستم و با او روانه شدم تا رسیدیم به دو نفر. یکی ایستاده و دیگری نشسته بود. در دست نفر ایستاده قلابی از آهن بود که آن را به یک طرف سر فرد نشسته فرو می‌برد و می‌کشید تا به شانه او می‌رسید. سپس آن را بیرون می‌آورد و به طرف دیگر فرو می‌برد.

مهم‌ترین نتیجه دروغ در جامعه «سلب اعتماد از یکدیگر، است. وقتی اعتماد سلب شد، توبیحه‌ها، خیرخواهی‌ها، گفت‌وگوها و...

**اثر خود را از دست می‌دهند. لذا علمای اخلاق تاکید می‌کنند که به منظور احترام از عادت و صراحت دروغ تا ممکن است از دروغ مصطلحتی نیز اجتناب باید کرد.**

پرسیدم این را چه کار است؟ گفت: او فردی دروغگو است که این چنین در قیبر تا روز قیامت عذاب می‌شود.

مردی از پیامبر(ص) پرسید: شغل اهل بهشت چیست؟ فرمود:

راستی و راستگویی. هر‌گاه بنده‌ای راست بگوید، نیکوکار بوده و در امان است و نهایتاً وارد بهشت می‌شود. در مقابل، کار اهل جهنم دروغ‌گویی است و او بدکار و کاذب محسوب می‌شود و در آخرت نیز وارد دوزخ خواهد شد. کذب نقل می‌کنند که ایت‌الله بروجردی گفته بود: من از اول جوانی یک دروغ هم نگفتم‌ها. فردی از پیامبر پرسید یا رسول‌الله خصلتی به من بیاموز که خیر دنیا و آخرت در آن باشد. فرمود: دروغ مگو.

**نتیجه سلب اعتماد دروغ**

گفته شد که مهم‌ترین نتیجه دروغ در جامعه «سلب اعتماد از یکدیگر، است. وقتی اعتماد سلب شد، توبیحه‌ها، خیرخواهی‌ها، گفت‌وگوها و اثر خود را از دست می‌دهند. لذا علمای اخلاق تاکید می‌کنند که به منظور احترام از عادت و صراحت در دروغ تا ممکن است از دروغ مصطلحتی نیز اجتناب باید کرد. در صورت ناچاری بهتر است از روش «توبه» استفاده کنیم. یعنی سخن در ظاهر راست بوده اما در واقع راست نیست. مثلا اگر ظالمی از محل اخفای مظلوم پرسید، بگویم: خدا بهتر می‌داند یا عالم غیب نازم... یا مثلا اگر کسی برسد آیا فلان گناه را انجام داده‌اید؛ بگویم: استغفرالله، پناه بر خدا اگر آن را مرتکب شوم...

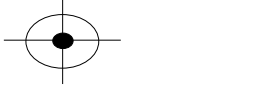
در پایان اضافه می‌شود: به‌طور کلی دروغ ناپسند است مگر در موارد ذیل:
۱) در جنگ با دشمن برای فریب او (۲) برای اصلاح میان مسلمانان (۳) جایی که ممکن است راست گفتن موجب مفسده جدی برای جان و آبرو و مال باشد.
(لؤلؤ و مرجان ص ۸۸- معراج السعاده ص ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۴ – مجموعه راجم ج ۱ ص ۲۱۲ و ۹۹ – طریق وصل ص ۱۱۶ – درس‌هایی از اخلاق ص ۱۸۱)

# اولین اثر عقل

عقل آثاری دارد. اولین اثرعقل عبودیت است. گاهی شخص را می‌بینی که از نظر تحصیلات دانشگاهی در رتبه بالایی است و عالی‌ترین مدارک را کسب کرده؛ اما وقتی وارد زندگی می‌شوی می‌بینی با مصلحت و مفسده زندگی اش که باید عقل آن را تشخیص بدهد آشنا نیست. اهل اسراف و تبذیر و تفاخر و به دنبال لذات مقطعی است. به راحتی روی ابدیت و انسانیت خود معامله کرده است. همه اینها مظاهر تعطیلی عقل است. می‌گوید: اگر می‌خواهی مهمیاتی فاجر باشی باید شراب و مواد مخدر داشته باشی، اختلاط داشته باشی و الا عروسی به اصطلاح عروسی درآویش است. اینها همه نشان فطولت است.

همه اندرز من به تو این است

که تو طفلی و خانه رنگین است
**کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی**
https://telegram.me/seyed\_hasan\_amehi



# تبری؛ حقیقت و طریقت

عباسعلی مشکاتی سبزواری

مقوله تبری به حوضی فحش، سب و لعن نسبت به اشخاصی خاص و مرتبط با وقایع صدر اسلام اختصاص یافته است. (در مورد این رویکرد، ر.ک. هدایی، اوتربار و صادق میرشاه ولد، ترجمه نجات‌اللاهوت قسی لعن الجبت و الطافلوت) تحقیق حاضر به بررسی و نقد نگاه دوم به مقوله تبری است.
**۱) تبری در لغت:** تبری از ریشه برات و به معنای دوری جنستن از یک چیز و حالت برکنار بودن از یک شیء است. (نسی

**علامه عسکری(ره) ضمن برشمردن «لعن خلفا و صحابه» به عنوان یکی از موانع اتحاد مسلمانان، پیرامون ضرورت تحقیق درباره این مسئله می‌فرماید: «درد در دل هر مسلمانی می‌پیچد هر‌گاه بشنود که برادر مسلماتش مقدسات و ائمه او را به باد لعن و ناسزا گرفته است. آیا در چنین صورتی بین این دو مسلمان اتحاد و هماهنگی به وجود می‌آید؟ اگر به زرفی دشمنی و جنگ سرنوشت‌سازی که دشمنان اسلام علیه ما پایه‌گذاری کرده‌اند برسیم، و دست از تعصب برداشته، نیت خود را در حل گرفتاری‌های خودمان خالص گردانیم، و سپس به بررسی تاریخ این لعن و ناسزا و موجبات آن بپردازیم، با خواست خدا به راه‌حل مسالمت‌آمیزی خواهیم رسید.»**

**۵) رابطه تنگاتنگ مراتب تبری:**تکنه‌ای که نباید از نظر دور داشت اینکه تاکید بر مرتبه عملی، نباید به بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت بودن جایگاه قلبی تعبیر شود؛ زیرا وجود و اهمیت جایگاه عملی زمانی آشکار خواهد شد که در بعد قلبی نیز این آموزه مورد توجه قرار گرفته باشد. کم‌توجهی به بعد قلبی، بعد اجزایی و عملی تبری را با متفکسل رویرو می‌کند؛ از سوی دیگر، نبود بعد عملی و محدود شدن به مسائل قلبی، یبوابی و دوام این استراتژی اسلامی را با تردید مواجه می‌سازد. پس طبیعی است برای اینکه بتوانیم تبری را به عنوان یک نظر به کامل در زمینه روابط اعتقادی و اجتماعی و سیاسی مسلمانان مطرح کنیم، می‌بایست که در بعد قلبی و در بعد عملی (و زبانی)، آن هم به صورت تنگاتنگ ازآن بهره گرفت.



ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۲۴) راقب اسفغانی در تشریح این لغت می‌نویسد: اصل التَّبرُّ و التَّبرُّاء و التَّبَرُّی: التَّقَصُّی مِمَّا یَکْرَه مَجاورته، و نالک قیل: تَبَرُّتٌ مِنْ الْمَرْعُی وَ تَبَرُّتٌ مِنْ فُلَانٍ؛ اصل تبری به معنای دوری جنستن و جدا شدن از چیزی است که از مجاورت آن زیارت‌هazard وجود دارد) و به همین خاطر است که گفته می‌شود از مریضی جدا شد و از فلاهی دوری جنستم. (راقب اسفغانی، المعفرات فی غریب القرآن، ص ۱۲۱)

**۲) تبری در اصطلاح:** تبری، اصطلاحی کلامی در برابر تولی و به معنای «بیزاری جنستن از دشمنان خدا» می‌باشد. (فرهنگ فقه مطلق مذهب اهل‌بیت(ع)، ج ۲، ص ۳۲۷) این واژه در زبان فارسی بیشتر به صورت «تبرّیا» به کار می‌رود. تبرّی ریشه در قرآن کریم دارد و «برائت» نام یک سوره قرآن است که در برائت خدا و پیامبرش از سوی شیعه آمده است. (در فواید دوری جنستم. (راقب اسفغانی، المعفرات فی غریب القرآن، ص ۱۲۱)

**۳) تبری در اصطلاح:** تبری، اصطلاحی کلامی در برابر تولی و به معنای «بیزاری جنستن از دشمنان خدا» می‌باشد. (فرهنگ فقه مطلق مذهب اهل‌بیت(ع)، ج ۲، ص ۳۲۷) این واژه در زبان فارسی بیشتر به صورت «تبرّیا» به کار می‌رود. تبرّی ریشه در قرآن کریم دارد و «برائت» نام یک سوره قرآن است که در برائت خدا و پیامبرش از سوی شیعه آمده است. (در فواید دوری جنستم. (راقب اسفغانی، المعفرات فی غریب القرآن، ص ۱۲۱)

**اعلان برائت و تبری از دشمنان و مخالفان، یکی از اصول ثابت و دائمی دین مبین اسلام است که با آن مرز میان خودی و غیر خودی شناخته شده و مسلمانان هویتی مستقل از سایر ملل و آئین‌ها پیدا می‌کنند. تبری نقش کارساز و مؤثری در تبیین مواضع و اعلام هویت رسمی و مستقل اسلام و مسلمانان دارد و به شفافیت دیدگاه‌ها و اعتقادات و هنجارها کمک می‌کند. اگر تبری از دشمنان خدا وجود نداشته باشد، مرزهای دوستی و دشمنی به هم می‌ریزد، و حق و باطل در هم می‌آمیزد.**

است. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) تبرّی از مهم‌ترین و استوارترین رشته‌های ایمان ذکر شده است. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۷) در منابع روایی در باب‌هایی تحت عنوان «الحب و البغض فی الله» روایات فراوانی در باب وجوب برائت از مخالفان دین خدا و نیز دوستان دشمنان خدا وارد شده است. (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۴، باب ۳۲)

در برخی از منابع که از تبرّی به عنوان قاعده فقهی یاد شده است، در تعریف آن می‌خوانیم: «تبری در اصطلاح فرهنگ مذهبی و عقیدتی اسلام، به معنای کینه داشتن در دل و برکنار بودن از دشمنان خلد، پیامبر(ص)، ائمه‌الاهوار) و مومنان است؛ به گونه‌ای که این کینه داشتن نسبت به آنان در عمل هم به محدودیت‌هایی در رابطه با آنها می‌انجامد. به عبارت دیگر تبرّی داشتن، یعنی روع و باطنی آدمی باید حالتی پویا و تحرک‌پذیر داشته باشد و هواره نسبت به دشمنان خدا و اولیای پاک او، مصداقی واقع یافته، و در دو مرتبه درونی (قلبی) و بیرونی(عملی) از آنان بیزار و برکنار باشد.» (فقه سیاسی اسلام، ص ۳۲۴)

**۲) فلسفه تبری:** اعلان برائت و تبرّی از دشمنان و مخالفان، یکی از اصول ثابت و دائمی دین مبین اسلام است که با آن مرز میان خودی و غیرخودی شناخته شده و هر مسلمانی می‌پیچد هر‌گاه بشنود که برادر مسلماتش مقدسات و ائمه او را به باد لعن و ناسزا گرفته است. آیا در چنین صورتی بین این دو مسلمان اتحاد و هماهنگی به وجود می‌آید؟ در زرفی دشمنی و جنگ سرنوشت‌سازی که دشمنان اسلام علیه ما پایه‌گذاری کرده‌اند برسیم، و دست از تعصب برداشته، نیت خود را در حل گرفتاری‌های خودمان خالص گردانیم، و سپس به بررسی تاریخ این لعن و ناسزا و موجبات آن بپردازیم، با خواست خدا به راه‌حل مسالمت‌آمیزی خواهیم رسید.» (علامه عسگری، ویژگی‌ها و دیدگاه‌های دو مکتب در اسلام، ترجمه سردار نیاج ۱، مقدمه، ص ۴)

۱)

تبری از منظر شیعه جزو فروع دین قلمداد شده (علوی، سید عادل؛ القول الرشید فی الاجتهاد و التقلید، ج ۲، ص ۳۶۳)، مکمل و یار دیرپای تولی به حساب آمده است. گرچه در گذشته و در سدهات فقهی و کلامی شیعی کمتر به این مهم پرداخته شده است، اما وقتی وارد زندگی می‌شویم می‌بینی با مصلحت و مفسده زندگی اش که باید عقل آن را تشخیص بدهد آشنا نیست. اهل اسراف و تبذیر و تفاخر و به دنبال لذات مقطعی است. به راحتی روی ابدیت و انسانیت خود معامله کرده است. همه اینها مظاهر تعطیلی عقل است. می‌گوید: اگر می‌خواهی مهمیاتی فاجر باشی باید شراب و مواد مخدر داشته باشی، اختلاط داشته باشی و الا عروسی به اصطلاح عروسی درآویش است. اینها همه نشان فطولت است.

تبری به مثابه معیار و دکتترین روابط قابل و اجتماعی در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی مورد اقبال است. (در مورد این رویکرد، ر.ک. اسماعیلی، مهدی؛ تولی و تبرّی از نگاهی دیگر)
۲) در رویکردی دیگر، امام آقا با نگاهی جزبین و فردی‌نگر، نسبت به مقوله تبرّی وجوددارد:

تبری به مثابه معیار و دکتترین روابط قابل و اجتماعی در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی مورد اقبال است. (در مورد این رویکرد، ر.ک. اسماعیلی، مهدی؛ تولی و تبرّی از نگاهی دیگر)
۲) در رویکردی دیگر، امام آقا با نگاهی جزبین و فردی‌نگر، نسبت به مقوله تبرّی وجوددارد:

## عباسعلی مشکاتی سبزواری

غفلت از مقوله تبری برمی‌خوریم. اعلان رسمی و علنی تبری و برائت جویی از افکار و اعمال ناپنجبار و زشت و ناپسند، به این مناسبت که در جامعه افراد نیکوکار و مومن و صالح از اشخاص ناپکار و بزهارک و کافر و مشرک باز شناخته شوند و مرزهای میان خودی و غیرخودی به روشنی مشخص شود.

خداوند حضرت ابراهیم(ع) را به جهت اعلان

**علامه عسکری(ره) ضمن برشمردن «لعن خلفا و صحابه» به عنوان یکی از موانع اتحاد مسلمانان، پیرامون ضرورت تحقیق درباره این مسئله می‌فرماید: «درد در دل هر مسلمانی می‌پیچد هر‌گاه بشنود که برادر مسلماتش مقدسات و ائمه او را به باد لعن و ناسزا گرفته است. آیا در چنین صورتی بین این دو مسلمان اتحاد و هماهنگی به وجود می‌آید؟ اگر به زرفی دشمنی و جنگ سرنوشت‌سازی که دشمنان اسلام علیه ما پایه‌گذاری کرده‌اند برسیم، و دست از تعصب برداشته، نیت خود را در حل گرفتاری‌های خودمان خالص گردانیم، و سپس به بررسی تاریخ این لعن و ناسزا و موجبات آن بپردازیم، با خواست خدا به راه‌حل مسالمت‌آمیزی خواهیم رسید.»**

**۵) رابطه تنگاتنگ مراتب تبری:**تکنه‌ای که نباید از نظر دور داشت اینکه تاکید بر مرتبه عملی، نباید به بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت بودن جایگاه قلبی تعبیر شود؛ زیرا وجود و اهمیت جایگاه عملی زمانی آشکار خواهد شد که در بعد قلبی نیز این آموزه مورد توجه قرار گرفته باشد. کم‌توجهی به بعد قلبی، بعد اجزایی و عملی تبری را با متفکسل رویرو می‌کند؛ از سوی دیگر، نبود بعد عملی و محدود شدن به مسائل قلبی، یبوابی و دوام این استراتژی اسلامی را با تردید مواجه می‌سازد. پس طبیعی است برای اینکه بتوانیم تبری را به عنوان یک نظر به کامل در زمینه روابط اعتقادی و اجتماعی و سیاسی مسلمانان مطرح کنیم، می‌بایست که در بعد قلبی و در بعد عملی (و زبانی)، آن هم به صورت تنگاتنگ ازآن بهره گرفت.

**۶) تبیین تبری زبانی:** چنان‌که گذشت یکی از مراتب تبرّی، تبرّی زبانی است. تبرّی زبانی بدین معناست که از دشمنان خداوند و اولیای او بایستی با زبان برائت جنست. باید بغض آنان را فریاد برآورد و دشمنی قلبی خود را با زبانی گویا به منصفه ظهور رساند. باید با شمشیر زبان، ریشه‌های محبوبیت و مقبولیت باطل و اهل آن منهدم کرد. نکته اینجاست که تبرّی با زبان نیز، شیوه‌های خاص خود را دارد و نمی‌توان با هر شیوه‌ای به برائت از باطل پرداخت. اما آنچه در حال حاضر در میان متدینان از عوام و علمای نمایان عوام صفت، به عنوان مصداق بارز تبرّی معروف و مرسوم است، گونه‌ای خاص از تبرّی زبانی است که به سمرقشی نیکوست. آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه جای خدا می‌رسید، بیزار و برکناریم» (ممتحنه ۳)، همچنین پیامبر(ص) را مامور می‌کند که بطور رسمی و عملی بیش و نگرش توحیدی خویش را بیان کرده و از مشرکان اعلان بیزاری نماید: «قل اِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ اِنِّیْ بَرِّیْءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ»؛ بگو: «وست تنها معبود یکگانه و من آن از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزاریم.» (انعام – ۱۹)

**۴) مراتب تبسری:** همانگونه که ایمان و تولی رسمی و علنی برائت و انزجار از مشرکان به عنوان انسان‌هایی با اندیشه و رفتار زشت و ناپسند، مورد ستایش قرار می‌دهسد و او را به عنوان الگو معرفی می‌کند: «فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَدُ حَسَنَةَ فِیْ اِبْرَاهِیْمَ وَ الذِّیْنِ مَعَهُ اِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ اِنَّا لَشِرَءٌ مِّنْکُمْ، وَ مَعَا تَعْلُوْنُ» «هرای شما در ابراهیم و همراهان او سمرقشی نیکوست. آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه جای خدا می‌رسید، بیزار و برکناریم» (ممتحنه ۳)، همچنین پیامبر(ص) را مامور می‌کند که بطور رسمی و عملی بیش و نگرش توحیدی خویش را بیان کرده و از مشرکان اعلان بیزاری نماید: «قل اِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ اِنِّیْ بَرِّیْءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ»؛ بگو: «وست تنها معبود یکگانه و من آن از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزاریم.» (انعام – ۱۹)

**۴) مراتب تبسری:** همانگونه که ایمان و تولی رسمی و علنی برائت و انزجار از مشرکان به عنوان انسان‌هایی با اندیشه و رفتار زشت و ناپسند، مورد ستایش قرار می‌دهسد و او را به عنوان الگو معرفی می‌کند: «فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَدُ حَسَنَةَ فِیْ اِبْرَاهِیْمَ وَ الذِّیْنِ مَعَهُ اِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ اِنَّا لَشِرَءٌ مِّنْکُمْ، وَ مَعَا تَعْلُوْنُ» «هرای شما در ابراهیم و همراهان او سمرقشی نیکوست. آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه جای خدا می‌رسید، بیزار و برکناریم» (ممتحنه ۳)، همچنین پیامبر(ص) را مامور می‌کند که بطور رسمی و عملی بیش و نگرش توحیدی خویش را بیان کرده و از مشرکان اعلان بیزاری نماید: «قل اِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ اِنِّیْ بَرِّیْءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ»؛ بگو: «وست تنها معبود یکگانه و من آن از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزاریم.» (انعام – ۱۹)

**۴) مراتب تبسری:** همانگونه که ایمان و تولی رسمی و علنی برائت و انزجار از مشرکان به عنوان انسان‌هایی با اندیشه و رفتار زشت و ناپسند، مورد ستایش قرار می‌دهسد و او را به عنوان الگو معرفی می‌کند: «فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ اَسْوَدُ حَسَنَةَ فِیْ اِبْرَاهِیْمَ وَ الذِّیْنِ مَعَهُ اِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ اِنَّا لَشِرَءٌ مِّنْکُمْ، وَ مَعَا تَعْلُوْنُ» «هرای شما در ابراهیم و همراهان او سمرقشی نیکوست. آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه جای خدا می‌رسید، بیزار و برکناریم» (ممتحنه ۳)، همچنین پیامبر(ص) را مامور می‌کند که بطور رسمی و عملی بیش و نگرش توحیدی خویش را بیان کرده و از مشرکان اعلان بیزاری نماید: «قل اِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ اِنِّیْ بَرِّیْءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ»؛ بگو: «وست تنها معبود یکگانه و من آن از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزاریم.» (انعام – ۱۹)

دارای سه مرحله اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل به جوارح میباشد(معنایالاجبار، ص ۱۸۶)تبری نیز در یک تقسیم‌بندی، به سه مرحله و جایگاه تقسیم می‌شود:
**الف) مرتبه قلبی** که همان احساس تنفر و دوری از دشمنان خدا و اولیای برحق او می‌باشد. در امری از این مرحله از تبرّی، می‌توان گفتن استناد نمود: اصولاً قلب آدمی، کائنات تمایلات، مهروزبها و کینه‌توزی و زایشگاه گرایش‌هاست. از این روست که تبرّی قلبی، نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی انسان‌ها دارد. باید به دشمنان اولیای خود معبود مهر نوزدیدی و در دل بغض داشت (و مومنان است؛ به گونه‌ای که این کینه داشتن نسبت به آنان در عمل هم به محدودیت‌هایی در رابطه با آنها می‌انجامد. به عبارت دیگر تبرّی داشتن، یعنی روع و باطنی آدمی باید حالتی پویا و تحرک‌پذیر داشته باشد و هواره نسبت به دشمنان خدا و اولیای پاک او، مصداقی واقع یافته، و در دو مرتبه درونی (قلبی) و بیرونی(عملی) از آنان بیزار و برکنار باشد.» (فقه سیاسی اسلام، ص ۳۲۴)

۱)

**۲) فلسفه تبری:** اعلان برائت و تبرّی از دشمنان و مخالفان، یکی از اصول ثابت و دائمی دین مبین اسلام است که با آن مرز میان خودی و غیرخودی شناخته شده و هر مسلمانی می‌پیچد هر‌گاه بشنود که برادر مسلماتش مقدسات و ائمه او را به باد لعن و ناسزا گرفته است. آیا در چنین صورتی بین این دو مسلمان اتحاد و هماهنگی به وجود می‌آید؟ در زرفی دشمنی و جنگ سرنوشت‌سازی که دشمنان اسلام علیه ما پایه‌گذاری کرده‌اند برسیم، و دست از تعصب برداشته، نیت خود را در حل گرفتاری‌های خودمان خالص گردانیم، و سپس به بررسی تاریخ این لعن و ناسزا و موجبات آن بپردازیم، با خواست خدا به راه‌حل مسالمت‌آمیزی خواهیم رسید.» (علامه عسگری، ویژگی‌ها و دیدگاه‌های دو مکتب در اسلام، ترجمه سردار نیاج ۱، مقدمه، ص ۴)

تبری از منظر شیعه جزو فروع دین قلمداد شده (علوی، سید عادل؛ القول الرشید فی الاجتهاد و التقلید، ج ۲، ص ۳۶۳)، مکمل و یار دیرپای تولی به حساب آمده است. گرچه در گذشته و در سدهات فقهی و کلامی شیعی کمتر به این مهم پرداخته شده است، اما وقتی وارد زندگی می‌شویم می‌بینی با مصلحت و مفسده زندگی اش که باید عقل آن را تشخیص بدهد آشنا نیست. اهل اسراف و تبذیر و تفاخر و به دنبال لذات مقطعی است. به راحتی روی ابدیت و انسانیت خود معامله کرده است. همه اینها مظاهر تعطیلی عقل است. می‌گوید: اگر می‌خواهی مهمیاتی فاجر باشی باید شراب و مواد مخدر داشته باشی، اختلاط داشته باشی و الا عروسی به اصطلاح عروسی درآویش است. اینها همه نشان فطولت است.

تبری به مثابه معیار و دکتترین روابط قابل و اجتماعی در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی مورد اقبال است. (در مورد این رویکرد، ر.ک. اسماعیلی، مهدی؛ تولی و تبرّی از نگاهی دیگر)
۲) در رویکردی دیگر، امام آقا با نگاهی جزبین و فردی‌نگر، نسبت به مقوله تبرّی وجوددارد:

تبری به مثابه معیار و دکتترین روابط قابل و اجتماعی در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی مورد اقبال است. (در مورد این رویکرد، ر.ک. اسماعیلی، مهدی؛ تولی و تبرّی از نگاهی دیگر)
۲) در رویکردی دیگر، امام آقا با نگاهی جزبین و فردی‌نگر، نسبت به مقوله تبرّی وجوددارد:

صفحه ۸

پنج شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۵

۸ ربیع‌الاول ۱۴۲۸ – شماره ۳۱۵۰۶

بهارالاول، ج ۲۵، ص ۳۷۰

## چراغ راه

### تأثیر جدال و شوقی

**قال الامام العسکری(ع):** لا تمار فیذهب بهاؤک، و لا تمارح فیجترا علیک امام حسن عسکری(ع) فرمود: با کسی جدال و کشمکش نکن که حرمت و ارزشت زائل می‌شود، و شوقی مکن که بر تو جرأت پیدا می‌کنند<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۰

## حکایت خوبان

امام حسن عسکری(ع) فرمود: شما را سفارش می‌کنم: به رعایت تقوای الهی، و پارسایی در دین، و تلاش و کوشش در راه خدا، و راست گویی، و پس دادن امانت به کسی که به شما اعتماد و اطمینان کرده، چه آن فرد خوب باشد یا بدکار.<sup>(۱)</sup>
در روایتی دیگر آن حضرت فرمود: از خدا بپرا کنید و مایه زینت ما باشید، و موجب ننگ و زشتی ما نباشید، دوستی و محبت‌ها را به سوی ما جلب کنید، و هرگونه زشتی را از ما دفع نکنید.
نویسنده، زیبا هرگونه خوبی را به ما نسبت هندی، ما اهلس هستیم، و هر بدی که درباره ما گفته شود، ما از آن بدوریم.<sup>(۲)</sup>
امام حسن عسکری(ع) خشنودی خود را در مورد یک شیعه واقعی چنین ابراز می‌دارد: به راستی هر یک از شما که در دینش پارسه و در کلامش صادق بوده و امانت را به صاحبش برگرداند، و اخلاقت را با مردم نیکو دارد، که گفته شود، او یک شیعی مذهب واقعی است همین مراد و خرسندی می‌نماید.<sup>(۳)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۲

۲- همان

۳- همان

۱- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۷۲

۲- همان

۳- همان

## نقش الگویی حاکمان

از منظر آموزه‌های وحیانی در تحلیل صلاح و فساد جوامع نقش اصلی و اصالت را باید بسه تفکرات و رفتارهای فردی و اجتماعی آحاد جامعه داد یا اینکه رهبران و حاکمان جامعه نقش کلیدی در هدایت یا فسادت جامعه داشته و مردم به تبع اثر نقش ثانوی دارند؟

پاسخ:
از منظر جامعه‌شناسی رابطه بین مردم و حاکمان رابطه‌ای دو سویه است. بدین معنا که هم حاکمان حقوقی بر مردم دارند و هم مردم حقوقی بر حاکمان، و این حقوق متقابل است. اما در بحث تحلیل صلاح و فساد جوامع، در درجه اول آا حاکمان نقش اصلی را دارند و باید پاسخگو باشند یا اینکه مردم در ایفای نقش خود فرود، فرودهای داشته‌اند و باید علت اصلی صلاح و فساد جامعه به حساب آیند؟ بنابراین در اینجا سه گزینه را می‌توان به عنوان علت اصلی صلاح و فساد جوامع مطرح کرد:
۱- مردم ۲- حاکمان ۳- هر دو
به نظر می‌آید اما با اولویت رهبران.
به نظر می‌رسد آموزه‌های وحیانی اسلام گزینه سوم را بیشتر مورد توجه و عنایت قرار داده است. بدین معنا که هم تأثیرگذاری مردم بر سرنوشت خود و حاکمان را مورد تأکید قرار داده و هم تأثیرگذاری حاکمان بر مردم و جوامع را کلیدی و تعیین کننده می‌داند که هر دو بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند اما اولویت در تأثیرگذاری با حاکمان و رهبران جوامع است.
خداوند در سوره توبه به مسلمانان فرمان می‌دهد که در میدان مبارزه و جهاد، رهبران و فرماندهان کار و ریشه‌های آنان را هدف قرار دهید: «فانظروا انما الکفر»<sup>(۱)</sup> پس با پیشوایان کفر نبرد کنید.
در سخنان پیشوایان اسلام نیز می‌بینیم به این مهم توجه شده است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اناس باهم‌الرم اشبه منهم باهم»<sup>(۲)</sup> شباهت مردم به رهبران آنان تأثیرپذیری آنها از پدران و مادران‌شان بیشتر است.
در روایتی دیگری می‌خوانیم: «اناس علی دین ملوکهم»<sup>(۳)</sup> دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است.
پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «صفتان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی» که ر‌گاه دو دسته از امت من فاسد شوند همه فاسد می‌شوند و اگر صالح شوند در همه اثر گذاشته و همه صالح می‌شوند.
سؤال کردند آن دو دسته کیانند؟
پیامبر فرمودند: «الفقهاء و الامراء»<sup>(۴)</sup> دانشمندان و حاکمان.

امام باقر(ع) می‌فرماید: خداوند می‌فرماید: هر جمعیتی که رهبری فردی استمگر را بپذیرند، مورد عذاب و غضب من هستند. گرچه آنان خود با نفاق و نیکوکار باشند و هر‌گاه مردمی رهبری امام عادل را بپذیرند مورد غفو و لطف من هستند گرچه آنان به خود ظلم کرده و دارای رفتار بدی باشند.

از این حدیث بسیار عالی، استفاده می‌شود که آنچه مهم‌تر از عمل است، پذیرش ولایت پیشوای عادل است. همان گونه که هر‌گاه راننده اتوبوس، فردی عادل و با تجربه و سالم باشد اما اتوبوس به منزل می‌رسد گرچه بعضی مسافران، پوست و برتقال و به سیگار در ماشین ریخته و یا با لباس کثیف و کفش پاره در آن نشسته باشند. اما هر‌گاه راننده و هدایت کننده اتوبوس، شخصی سالم‌الیا مست یا کور باشد، سرنوشت مسافران نابودی است گرچه تمام مسافران بهترین لباس و کفش را پوشیده باشند. آری، آنچه در حرکت اصالت دارد رهبری و مسیر حرکت است نه خدایت و نیت دشمن و اعمال جزئی.<sup>(۵)</sup>

در قرآن آمده است: «و من اضل ممن اتبع هواه بغیر هدی من الله»<sup>(۶)</sup> کیست گمراه‌تر از کسی که پیرو هوس خود باشد و هدایتی از طرف خدا او را هدایت نکند.

در حدیث ذیل می‌می‌خوانیم: هر که مکتب و دین خود را برطبق سلیقه و رأی خود قرار دهد و از امام حقیقی اطاعت نکند، مشمول این آیه شده و گمراه‌ترین افراد است.<sup>(۸)</sup>
در حدیث دیگری می‌خوانیم که زیاد عبادت کند، ولی امام و رهبر حقی نداشته باشد، سعی و تلاش او کسری و در حد حقیقت گمراه است و خدان نیز دشمن عبادت و اعمال اوست. «الله تانیء لاعماله»<sup>(۹)</sup>

۱- سوره توبه، آیه ۱۲

۲- تحف العقول، ص ۲۰۸

۳- کشف‌المحجج، ج ۲، ص ۲۱

۴- بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۹

۵- کافی، ج ۱، ص ۳۷۶

۶- رهبر مقلب حضرت اینه‌الله خنصانی

**سالک الهی مراقب افکار و نیات قلبی خود است**
(بنای ای سالک راه خدا) قرآن کریم درباره محاسبه می‌فرماید: «وان تدبوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به‌الله» (بقره- ۲۸۴) آنچه در دل دارید یا اظهار می‌کنید، همه مورد محاسبه خداست. یعنی حتی خاطرات و تصمیم‌های زشت همان گونه که مراتب اعضا و جوارح ظاهری خویش است، مواظب اندیشه و افکار نیز – هرچند عملی نگردند- جان را تیره می‌کنند و سالک محاسب (حاسبگر) همان گونه که مراتب اعضا و جوارح ظاهری خویش است، مواظب اندیشه و افکار نیز – هرچند عملی نگردند- جان را تیره می‌کنند و سالک محاسب (حاسبگر) همان گونه که مراتب اعضا و جوارح ظاهری خویش است، مواظب اندیشه و افکار نیز – هرچند عملی نگردند- جان را تیره می‌